

. سخت است اما بانکداری را تصویب کنید که برنده جایزه صلح نوبل شده است؛ او کسی نیست جز پروفیسور محمد یونس (Muhammad Yunus) اقتصاددان و بنیان‌گذار بانک گرامین (Grameen Bank) مشهور به بانک فقرا.

محمد یونس در روستای باتوا (Bathua) در شرق بنگلادش به دنیا آمد و از همان ابتدای زندگی تحت تاثیر روحیه گشاده‌دستی مادرش در کمک به فقرا بود. او در طول زندگی خود بارها و از نزدیک شاهد بود که حیطی و گرسنگی چگونه جان هزاران تن از افراد بی‌بضاعت را در شهرها و روستاهای بنگلادش گرفته است. وی معتقد است فقر مردم از تنبلی یا حماقتشان نیست، بلکه به خاطر نداشتن یک حامی مالی هرچند کوچک است، از نظر او فقر یک مشکل ساختاری است نه شخصی. محمد یونس تابحال جوایز متعددی کسب کرده است که شاید مهم‌ترین آنها جایزه صلح نوبل باشد که در سال ۲۰۰۶ به آن نائل گردید.

ایده تاسیس بانک گرامین از کجا آمد؟

همان گونه که ذکر شد محمد یونس از همان دوران کودکی روحیه کمک به فقرا را از مادرش آموخت. در سال ۱۹۷۴ که او استاد اقتصاد در دانشگاه چیتاگونگ (Chittagong University) بود، طی سفری علمی به همراه دانشجویانش به یک روستا، رنج عظیم مردم تپی دست دوباره برای او تداعی گردید؛ آنها در آنجا با زنی بسیار فقیر صحبت کردند که برای تهیه مواد اولیه به منظور تولید محصولش محتاج به مبلغ خیلی ناچیزی - در حد یکی دو دلار - بود تا بتواند درآمدی کسب کند؛ مشکل زن آن بود که بانک به دلیل اینکه او فقیر بود و دارایی ارزشمندی برای وثیقه نداشت حاضر به پرداخت وام (هرچند ناچیز) به او نبود؛ بنابراین زن مجبور بود برای تهیه مواد اولیه مورد نیاز خود از نزول خوارها گاهی با نرخ بهره هفتگی ۱۰٪ پول نزول نماید و در آخر هفته تنها ۱ پنی عایدی او از ساخت محصولش بود. محمد یونس مشاهده کرد که افراد زیادی در چنین شرایطی به سر می‌برند؛ به عنوان مثال در همان روستا حدود ۴۲ نفر با چنان مشکلی دست به گریبان بودند و همه آنها برای شروع کار و کسب درآمد جمعا محتاج تنها ۲۷ دلار (!!!) سرمایه اولیه بودند. محمد یونس اقتصاددان پس از سفر به آن روستا فهمید که با توجه به فقر و نابرابری موجود، حتما در تئوری‌ها و نظریه‌های اقتصادی‌ای که تابحال مطالعه کرده و به دانشجویانش نیز آموزش داده، یک جای کار می‌لنگد؛ به گفته خودش: برای من تدریس تئوری‌های زیبای اقتصادی در کلاس دشوار بود، وقتی که فقدان تاثیرگذاری تدریس خود را در مواجهه با فقر و گرسنگی احساس می‌کردم.

محمد یونس چه کرد؟

برخلاف تمام توصیه‌های دولتی و بانکی، وی حاضر شد به کسانی وام بدهد که هیچ بانک تجاری به آنها وام نمی‌داد؛ زنان بی‌نوا، زنانی که شوهرانشان آنها را ترک کرده بودند، کارگران زمین‌های اربابان و سرمایه‌داران، رانندگان، رفتگران و حتی گدایان. محمد یونس شروع به اهدای وام‌های کوچک (Micro-Loans یا Micro-Credit) به فقرا نمود و در سال ۱۹۸۳ بانک گرامین را بدین منظور تاسیس کرد. گرامین به معنای روستا است و اساس کار بانک بر پایه اعتماد (Trust) و مسئولیت مشترک (Solidarity) بود. او با این باور که حتی فقیرترین مردم هم انگیزه و خلاقیت لازم برای شروع کسب و کارهای کوچک دارند، وام‌های کوچک چند دلاری را در اختیار مردم قرار داد. او اعتقاد دارد: «اعتبار دادن به فقیران به آنها اجازه می‌دهد تا توانایی‌های بالقوه خود را سریعاً بالفعل نمایند؛ توانایی‌هایی مثل بافندگی، پرورش غلات و میوه، برنج کوبی و تولید صنایع دستی. پولی که از این طریق به دست می‌آورد ابزار و کلیدی است برای بروز توانایی‌های دیگر و نیز به آنها کمک می‌کند تا پتانسیل‌های خویش را کشف کنند».

دریافت‌کنندگان وام، این پول‌ها را صرف کارهایی مثل خرید گاو شیرده، چوب، کاموا و یا دیگر فعالیت‌های درآمدزا می‌کردند. محمد یونس و بانک وی دقیقاً برخلاف بانک‌های بزرگ جهان عمل کردند که فقط به فکر اعطای وام به ثروتمندان هستند و فقرا را از یاد برده‌اند. امروزه در بنگلادش گرامین بانک ۲۵۶۴ شعبه و ۱۹۸۰۰ کارمند دارد که به بیش از ۸ میلیون وام‌گیرنده در بیش از ۸ هزار روستا خدمت‌رسانی می‌کنند. همانگونه که گفته شد رویه این بانک بر اساس اعتماد و مسئولیت مشترک بنا نهاده شده و با هیچ کدام از توصیه‌های دولتی و بانکی سازگاری ندارد اما نکته جالب اینجاست که بیش از ۹۷ درصد از وام‌گیرندگان از بانک گرامین، بدهی خود را با آن تسویه می‌کنند که این نرخ از هر بانک دیگری در دنیا بالاتر است. حال سوال این است که این برنامه‌ها چگونه به افراد بی‌سواد که وثیقه بانکی، ضامن و نیز دیگر ویژگی‌های لازم برای گرفتن وام را ندارند، وام می‌دهند؟ طبیعتاً باید ریسک عدم پرداخت اقساط چنین وام‌هایی، به نحو مناسبی مدیریت شود؛ چهار خصوصیت بارز در مواجهه با این ریسک در بانک گرامین، عبارتند از:

- قرض دادن پول به گروه‌های کوچک به جای افراد؛
- هدف‌گذاری برای پرداخت بخش عمده وام‌ها به زنان؛
- پیشنهاد اعطای وام در سطوح مختلف؛
- و در نهایت پیشنهاد نرخ بهره‌ای بالاتر از نرخ بهره رایج (و همچنان بسیار پائین‌تر از نرخ بهره نزول‌خواران).